

ارزیابی و سنجش وضعیت نابرابری توسعه در شهرستان‌های استان کرمانشاه با تأکید بر

شاخص اقتصادی

فتح الله ویسی ناب*

دانشجوی دکتر جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز

borhan.vasi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۴

چکیده

به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای، گام نخست، شناخت و سطح‌بندی مناطق از نظر برخورداری درزمینه‌های مختلف، به ویژه اقتصادی است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی در پی آن است تا وضعیت شهرستان‌های استان کرمانشاه را به لحاظ شاخص اقتصادی مشخص و سطح‌بندی نماید. جامعه آماری پژوهش ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی - اداری می‌باشد. داده و اطلاعات مورد نیاز پژوهش که مشتمل بر ۲۰ متغیر در زمینه شاخص اقتصادی می‌باشد از طریق سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده، سپس با استفاده از تکنیک تاپسیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت برای ترسیم فضایی بهتر وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های منطقه از GIS^۱ استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در سطح استان هیچ شهرستان توسعه‌یافته‌ای وجود ندارد و تفاوت آشکاری میان شهرستان‌های استان به لحاظ برخورداری از شاخص اقتصادی وجود دارد زیرا شهرستان کرمانشاه با مقدار ضریب توسعه ۰/۷۲۴ در رتبه نخست و به واقع برخوردارترین شهرستان و شهرستان ثلاث باباجانی با مقدار ضریب توسعه ۰/۲۶۵ در رتبه آخر و محروم‌ترین شهرستان را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: نابرابری منطقه‌ای، توسعه‌یافتگی، شاخص اقتصادی، استان کرمانشاه، تاپسیس.

مقدمه

امروزه کشورهای در حال توسعه، به منظور تقویت زیربنای اقتصادی و اجتماعی خود، رهایی از وابستگی، رفع نبود تعادل‌های منطقه‌ای و در نهایت، رسیدن به توسعه پایدار، بسیج منابع و بخصوص تخصیص‌ها و تصمیم‌سازی‌های مدیریتی، نیازمند شناسایی امکانات و منابع خویش هستند. با توجه به این امر که توزیع نامتعادل منابع و عوامل اقتصادی و اجتماعی، استعدادها و قابلیت‌های متفاوتی را برای مناطق مختلف به همراه داشته و از آنجا که یکی از بنیان‌های اطلاعاتی لازم برای برنامه‌ریزی صحیح ملی و منطقه‌ای، آگاهی از توانمندی‌های مناطق مختلف است، تعیین موقعیت و جایگاه مناطق مختلف به‌ویژه از نظر میزان توسعه-یافتگی، اهمیت ویژه‌ای دارد. امروزه نگرانی‌های زیادی درباره نابرابری و ابعاد مکانی توسعه وجود دارد که نیازمند توجه بیشتر اندیشمندان و سیاست‌گذاران در این زمینه است (Kanbur & Venables, 2005). نابرابری‌های ناحیه‌ای از مسائل عمده و نگران‌کننده در بیشتر بخش‌های جهان است (Dupont, 2007) که نشان دهنده تداوم چالش‌های توسعه در بیشتر کشورهای جهان است (Shankar & Shah, 2003).

از توسعه در مکاتب مختلف و همچنین دوره‌های زمانی متفاوت، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است (ملانوری شمسی و همکاران، ۱۳۸۲). توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته شدن و قدرتمند شدن است. توسعه به عنوان یک مقوله اقتصادی - سیاسی ابتدا از سوی اقتصاددانان و سپس جامعه-شناسان مطرح شد (Handder, 2000). این مفهوم در ابتدا به عنوان واکنشی نسبت به رشد اقتصادی مطرح شد (پیری و دیگران، ۱۳۹۳). توسعه فرآیندی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که منتج از استانداردهای زندگی بوده و باعث بهبود سطح زندگی بخش‌های در حال افزایش جمعیت می‌شود بنابراین توسعه ترکیبی از پارامترها و عوامل مختلفی بوده که ابعاد وسیعی را در برمی‌گیرد (زرند و دیگران، ۱۳۸۶).

توسعه‌یافتگی مناطق کشور با توجه به توزیع فضای ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی مناطق، ممکن است روند مناسبی نداشته باشد؛ از این رو، موفقیت در این امر مستلزم توجه به معیارهای توسعه بر اساس توانمندی‌های موجود در هر منطقه در تدوین برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین، معیارهای مدیریتی در سطح مناطق و قابلیت‌های هر منطقه باید شناسایی شود (میرغفوری و دیگران، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بنابراین توسعه باید چیزی بیشتر از افزایش

درآمد و ثروت باشد (عباسی نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۴) یعنی رشد همراه با عدالت اجتماعی باشد. بنابراین هدف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. براین اساس، مطالعه نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و رفاه منطقه‌ای و استانی، یکی از اقدامات ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی و اصلاح آرایش فضایی اقتصاد ملی و منطقه‌ای می‌باشد. این امر می‌تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری‌های منطقه‌ای تحت تأثیر قرار دهد.

میزان برخورداری یا دسترسی به امکانات و خدمات رفاه اجتماعی و توزیع بهینه آن‌ها در سطح کشورها و شهرستان‌ها از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. در ایران نیز چون اکثر کشورهای در حال توسعه در زمینه اقتصادی یک یا دو منطقه و یا نهایتاً چند منطقه دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و برخوردار از خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی- اجتماعی بوده که به قیمت عقب ننگه داشتن مناطق دیگر بوده است. به عبارت دیگر ایران به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه از نظر برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه دارای اختلافات زیادی می‌باشد و شاخص اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های توسعه دارای توزیع جغرافیایی ناهمگونی در بین استان‌ها و شهرستان‌ها می‌باشند. چنین وضعیتی در اکثر مناطق و استان‌های کشور صادق می‌باشد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱). از این نکته هم نباید غافل شد که بررسی و شناخت وضعیت نواحی، قابلیت‌ها و تنگناهای آن در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار است (موسوی، ۱۳۸۲). طوری که امروزه نابرابری ناحیه‌ای در بسیاری از کشورها چالشی اساسی در مسیر توسعه است (Shankar & Shah, 2003). برای شناخت توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌یافتگی مناطق، به بررسی الگوی نابرابری‌های ناحیه‌ای، تفاوت‌های میان نواحی و بررسی میزان برتری یک مکان نسبت به ساختار مکان‌های مشابه در سطح مختلف نیاز است (نسترن و دیگران، ۱۳۸۹). بنابراین در این پژوهش سعی شده است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه به لحاظ شاخص اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد تا از این طریق وضعیت شهرستان‌های مختلف به لحاظ برخورداری از این شاخص مشخص شود. در نهایت جهت رسیدن به توسعه متعادل در استان با توجه به اینکه

شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه در شهرستان‌های استان پیش‌نیاز تدابیر و اقدامات اندیشیده شده تلقی می‌گردد، پیشنهادهایی ارائه شده است.

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد نابرابری توسعه اقتصادی بین شهرستان‌های استان کرمانشاه دارای شکاف شدیدی می‌باشد.
- به نظر می‌رسد شهرستان کرمانشاه نسبت به سایر شهرستان‌ها وضعیت بهتری به لحاظ توسعه اقتصادی دارد.
متناسب با فرضیات تحقیق مهم‌ترین و اصلی‌ترین **هدفی** که این پژوهش دنبال می‌کند مشخص کردن وضعیت نابرابری و توسعه‌یافتگی اقتصادی شهرستان‌های استان کرمانشاه می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

یکی از ارکان اصلی توسعه، توسعه اقتصادی می‌باشد. چنری^۲ می‌گوید: توسعه اقتصادی به مثابه مجموعه تغییرات مرتبط با هم، در ساختار اقتصادی است که جهت رشد مداوم لازم است. اگر که رشد اقتصادی به معنی افزایش درآمد سرانه (به قیمت ثابت) است و درآمد سرانه زمانی افزایش می‌یابد که مجموع ارزش افزوده، همه کالاها و خدمات تولیدی در کشور افزایش پیدا کند (بهشتی، ۱۳۸۲: ۲۸). حداقل در زمان آدم اسمیت، تصور توسعه (نه خود اصطلاح توسعه) ارتباط نزدیکی با تصور رشد اقتصادی داشته است. در واقع برخی اوقات منظور از توسعه همان رشد اقتصادی بوده است. اگر چه برخی از اقتصاددانان جدید و عالمان نوین علوم اجتماعی اکنون به توسعه به صورت بسیار دقیق‌تری می‌نگرند و همان‌طور که می‌بینیم، حتی نهادهای مهم مالی و توسعه بین‌المللی همچون بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول امروزه در مورد توسعه به صورت ساده‌ای نمی‌اندیشند و آن را معادل رشد در نظر نمی‌گیرند (لفت ویچ، ۱۳۸۵). توسعه در واقع نخستین و مهم‌ترین هدف تمامی دولت‌ها محسوب می‌شود. یکی از عوامل مهم توسعه همانا پیشرفت اقتصادی است؛ هدف اصلی توسعه باید ایجاد الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی باشد که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد (تودارو، ۱۳۶۴) توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌هایی در ساختار

² - Chenery

سیاسی، نهادی، اجتماعی، اداری و اصلاح آن‌ها و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم نیز هست (ازکیا، ۱۳۶۴) بنابراین، در میان اهداف توسعه در مفهوم جدید آن، می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: تأمین اعتماد به نفس مردم، کاهش فقر و بیکاری، تعدیل ثروت و درآمد، افزایش رفاه اجتماعی، تأمین شرایط مشارکت مردم، تأمین آزادی‌های بیشتر، تکوین و توسعه دموکراسی، بازسازی منش مستقل انسانی و جز این‌ها (موحد و دیگران، ۱۳۹۰).

اما از آنجایی که توسعه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف در بین کشورها به صورت یکسان صورت نگرفته است، در هر مقیاسی نابرابری‌های منطقه‌ای در این کشورها زیاد است و در زمینه شاخص‌های مختلف مناطق ویژه‌ای موقعیت ممتازتری نسبت به سایر مناطق دارند (مولایی، ۱۳۸۷). لذا مطالعه نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در میان گروه‌ها، قشرها، اقوام و نیز مناطق جغرافیایی یا تقسیمات در یک کشور، یکی از کارهای ضروری و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی و اصلاحات در جهت تأمین رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۹۱).

الگوهای توسعه

الف- توسعه اقتصادی: الگوی غربی توسعه که اقتصاد در رأس آن قرار دارد، قبل از راه‌یابی به سایر کشورها در اروپا به وجود آمد و به کار رفت. اگر چه ارزش و کارایی این شکل از توسعه به علت نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی که به وجود آورد، خصوصاً در دو دهه گذشته موجب بحث‌های فراوان شده است، ولی باید متذکر شد که این الگو تماماً ساخته تمدن و فرهنگ غرب و برخاسته از درون و همسو با آن است (رحمانی و دیگران، ۱۳۸۸). ب- توسعه انسانی: چون عبارت توسعه انسانی ممکن است به حالات مختلف تعبیر شود، لازم است معنی و مفهوم آن اینجا روشن شود. توسعه انسانی به مفهوم تغییرات متوالی در آن دسته از شرایطی است که موجبات زندگی آزاد و رضایت‌بخش را به مفهوم واقعی خود برای کلیه افراد یک منطقه یا کشور فراهم می‌آورد و برای این نوع از زندگی پنج جزء را به قرار زیر تعریف تبیین می‌کنند:

کیفیت فیزیکی زندگی - دسترسی به وسایل امرار معاش - آزادی انتخاب - توسعه و خود کفایی - پیشرفت اجتماعی و سیاسی (میسرا و دیگران، ۱۳۷۱). توسعه انسانی به مفهوم فرایند گسترش حیطه انتخاب

افراد (Suri al, 2011) و بهبود رفاه آن‌هاست. پ- توسعه جامع: در حقیقت نهایی‌ترین نظریه توسعه است که می‌توان ارائه داد، چرا که در هر مورد و زمینه‌ای تلاش می‌کند، در برگیرنده همه مسائل و مواد لازم می‌باشد. توسعه جامع در روش، بعد، قلمرو و گستردگی، ابزار و تنوع و کیفیت، در برگیرنده تمام موارد توسعه است. منظور توسعه همزمان و مرتبط بخش‌های اقتصادی، فرهنگی، ایدئولوژیکی است که به عنوان یک روش می‌کوشد فعالیت‌های مرتبط با هم را یکپارچه کند تا یکدیگر را تکمیل کنند (لهسائی زاده، ۱۳۷۹).

مرور ادبیات تجربی

گام نخست در زمینه کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای باید با مطالعه وضع موجود و بیان شفاف و علمی میزان و نوع نابرابری‌های منطقه‌ای برداشته شود. در این راستا، در کشور ما، مطالعاتی ارزنده پیرامون موضوع‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... در سطوح استانی و شهرستانی صورت گرفته که در بسیاری از آن‌ها از مدل‌های و فنون کمی بهره‌گیری شده است.

حکمت نیا و موسوی (۱۳۸۳) در مقاله خود با عنوان (بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری ناحیه‌ای در استان یزد طی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۵۵) به این نتیجه رسیدند که میزان نابرابری در این مدت در شاخص‌های مورد بحث به جز شاخص جمعیتی کاهش یافته است. آهنگری و سعادت مهر (۱۳۸۶) به مطالعه تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته‌اند و شهرستان‌های استان را از لحاظ توسعه در هر بخش، رتبه‌بندی و ضریب نابرابری بین آن‌ها را محاسبه کردند که میزان این ضریب نشان دهنده افزایش نابرابری‌ها می‌باشد. زیاری و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان (سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش HDI) با استفاده از ۳۱ متغیر در قالب شاخص‌های مختلف در سه مقطع زمانی ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی را مشخص کردند که نتایج نشان داد میان شهرستان‌های استان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه تفاوت اساسی وجود دارد و این شهرستان‌ها قابل رتبه‌بندی در سه گروه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم هستند که با گذشت زمان بر میزان برخورداری آن‌ها افزوده شده است. حموزاده و دیگران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان سطح‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در

بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان به این نتایج رسیدند که، اختلاف و شکاف زیادی از نظر بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان بین شهرستان‌های استان آذربایجان غربی وجود دارد. طوری که در مجموع ۴۲ درصد شهرستان‌های استان در سطح توسعه نیافته و کمتر توسعه یافته و تنها ۲۱ درصد شهرستان‌ها در سطح توسعه یافته قرار داشتند. صفائی پور و مودت (۱۳۹۲) در پژوهشی به ارزیابی استان‌های ایران به لحاظ شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی پرداخته‌اند که نتایج این پژوهش بیانگر آن است که تهران توسعه‌یافته‌ترین و سمنان محروم‌ترین استان‌های کشور می‌باشند. در پایان برای رفع این نابرابری‌ها پیشنهادهایی ارائه شده است. غضنفرپور (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان سطح‌بندی و میزان توسعه‌یافتگی خدمات بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کرمان با استفاده از شاخص‌های تمرکز نشان داد که بیشترین بهره‌مندی از خدمات بهداشتی و درمانی متعلق به شهرستان کرمان است، و این شهرستان با شاخص ترکیبی ۱۰/۵ در رتبه نخست استان قرار گرفته است. امینی و مختاری ملک‌آبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی ضمن مشخص کردن وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در چهار سطح توسعه‌یافته درجه یک، دو، سه و توسعه نیافته به این نتیجه رسیدند که، شهرستان تبریز به عنوان تنها قطب منطقه، توسعه‌یافته‌ترین شهرستان و در مقابل شهرستان چاراویماق به عنوان محروم‌ترین شهرستان شناخته شد. صادقی فر و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی به این نتیجه رسیدند که، اختلاف و شکاف زیادی از نظر بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان بین شهرستان‌های وجود دارد که از نظر شاخص‌های مورد بررسی شهرستان گناوه و دیر به ترتیب با ۰/۴۷۷ و ۰/۹۷۳ برخوردارترین و محروم‌ترین شهرستان‌های استان بوشهر می‌باشند. زنگ‌آبادی و دیگران (۱۳۹۳) در پژوهشی ضمن مشخص کردن وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس، تحلیل خوشه‌ای و محاسبه ضریب تغییرات، به این نتیجه رسیدند که شهر سنندج به عنوان مرکز سیاسی اقتصادی استان، برخوردارترین شهرستان و شهرستان تازه تشکیل شده دهگلان نیز محروم‌ترین شهرستان استان از نظر شاخص‌های بررسی شده شناخته شد. همچنین سرور و خلیجی (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویر احمد به این نتیجه رسیدند که در

میان شهرستان‌های موجود تنها شهرستان‌های گچساران و بهمئی، دارای مطلوبیت نسبی از نظر سطح توسعه هستند. مریام نوری (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری توسعه پایدار، نتایج حاصل از یک تحلیل، ۸ بعد توسعه پایدار را در فرانسه مطالعه وی بر این واقعیت تأکید می‌کند که هیچ شاخصی کامل نیست و هیچ کس نمی‌تواند در مورد توسعه پایدار نظر جامعی بدهد. و با توجه به این تحقیق، شاخص‌ها نتایج مختلفی را نشان می‌دهند و به نظر وی در طی سال مورد بررسی، حرکت فرانسه به سمت توسعه پایدار روند کندی داشته است. میرون و همکاران (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان شاخص‌های رشد اقتصاد منطقه‌ای در رومانی بر پایه ۹ شاخص توسعه و استفاده از روش تحلیل عاملی^۳ شاخص ترکیبی را برای ۸ منطقه کشور رومانی تهیه و این مناطق را سطح‌بندی کرد. یو و دیگران (۲۰۱۰) سطح توسعه‌یافتگی مناطق ساحلی کشور چین را در فاصله سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۷ مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر دارای رویکرد توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شهرستان‌های استان کرمانشاه (۱۴ شهرستان) بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی - اداری کشور می‌باشد. داده و اطلاعات پژوهش که مشتمل بر ۲۰ متغیر در زمینه شاخص اقتصادی می‌باشد (جدول ۱) از طریق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری ۱۳۹۱ مربوط به استان کرمانشاه جمع‌آوری شده، سپس با استفاده از تکنیک چند معیاره تاپسیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان مشخص شده، و در نهایت برای نمایش بهتر وضعیت فضایی توسعه در استان از طریق نرم افزار GIS نقشه‌های مربوطه ترسیم شده است. در این پژوهش برای مشخص کردن اهمیت نسبی هر کدام از متغیرها از روش AHP^۴ (مقایسه دو به دو) استفاده شده است. در نهایت ذکر این نکته لازم است که، با توجه به اینکه متغیرهای مربوط به شهرستان‌ها کلی بوده و مربوط به کل شهرستان بوده‌اند، یکسان‌سازی شده و برای جمعیت ۱۰ هزار نفر

^۳ - Factor Analysis

^۴ -Analytic Hierarchy Process

محاسبه شده است تا از این طریق اثر متفاوت بودن جمعیت خنثی شده و یک جمعیت مساوی برای کل شهرستان‌ها در نظر گرفته شود.

جدول ۱- متغیرهای پژوهش

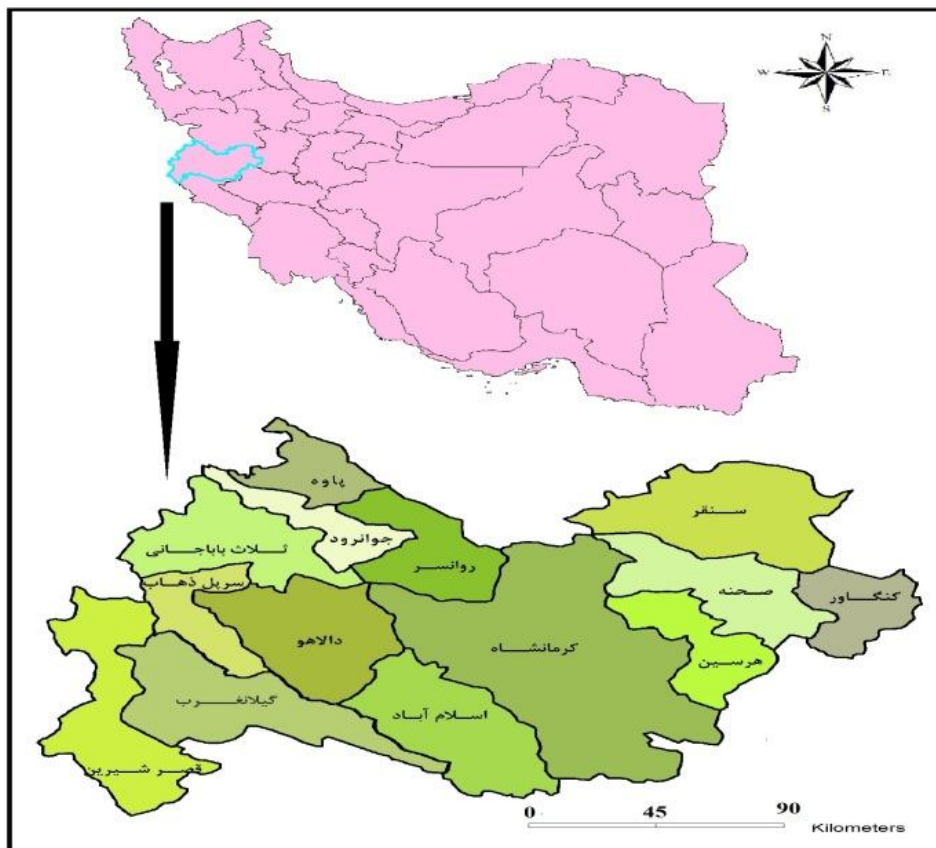
ردیف	متغیر پژوهش	توضیحات
۱	A ₁	نرخ اشتغال
۲	A ₂	نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت شهرستان
۳	A ₃	سرمایه (هزار ریال) شرکت‌های تعاونی روستایی به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت روستایی
۴	A ₄	تعداد واحدهای بانکی به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر
۵	A ₅	تعداد شرکت تعاونی کشاورزی به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر
۶	A ₆	تعداد کارگاه‌های صنعتی با ده نفر کارکن و بیشتر به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر
۷	A ₇	متقاضیان کار ثبت نام شده از هر ۱۰۰۰۰ نفر
۸	A ₈	نسبت مساحت اراضی زراعی هر شهرستان به مساحت شهرستان
۹	A ₉	فرصت‌های شغلی موجود به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۰	A ₁₀	تعداد جایگاه فروش بنزین به ازاء هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۱	A ₁₁	نرخ بیکاری
۱۲	A ₁₂	شاغلان بخش زراعت به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۳	A ₁₃	شاغلان بخش حمل و نقل و ارتباطات به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۴	A ₁₄	شاغلان بخش تعاونی معدن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۵	A ₁₅	درآمد سرانه
۱۶	A ₁₆	میزان تولید گوشت قرمز به تن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۷	A ₁₇	میزان تولید عسل به تن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۸	A ₁₈	میزان تولید زراعت سالانه به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۱۹	A ₁₉	میزان تولیدات گلخانه‌ای به تن به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر
۲۰	A ₂₀	سطح کاشت گندم در هکتار نسبت به کل اراضی کشاورزی شهرستان

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، سالنامه آماری استان ۱۳۹۱ و محاسبات نگارنده

معرفی محدوده مورد مطالعه

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ استان کرمانشاه دارای ۱۹۴۵۲۲۷ نفر جمعیت می‌باشد. استان کرمانشاه در منتهی‌الیه غربی کشور از سه طرف دارای مرز داخلی با استان‌های (لرستان، کردستان، ایلام، همدان) و از یک سمت دارای مرز بین‌المللی با کشور عراق است. استان کرمانشاه از لحاظ تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰

دارای ۱۴ شهرستان ۳۱ مرکز شهری ۸۶ دهستان و ۲۷۹۳ آبادی دارای سکنه می باشد (شکل ۱)، (سازمان آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

مدل پژوهش

در روش های مبتنی بر نقطه ایده آل، مرتب سازی مجموعه ای از گزینه ها، بر پایه انفکاک آن ها از نقطه ایده آل صورت می پذیرد. تکنیک مرتب سازی اولویت گزینه ها بر مبنای میزان مشابهت به راه حل ایده آل^۶ یکی از متداول ترین این روش ها محسوب می شود. این مدل در سال ۱۹۸۱ توسط هوانگ و یون^۷ پیشنهاد شد بر

^۶ - TOPSIS (Technique for order-Preference by Similarity to ideal Solution)

^۷ - Hwang & Yoon

اساس این تکنیک بهترین گزینه، گزینه‌ای است که به طور همزمان، نزدیک‌ترین واحد به نقطه ایده‌آل مثبت^۸ (بهترین حالت ممکن) و دورترین واحد از نقطه ایده‌آل منفی^۹ (بدترین حالت ممکن) باشد (عالم تبریز، باقر زاده آذر، ۱۳۸۸). TOPSIS، هم مستلزم افزایش یکنواخت مطلوبیت (هرچه ارزش صفت بزرگ‌تر باشد گزینه، بهتر می‌باشد) و هم مستلزم کاهش یکنواخت مطلوبیت (هر چه ارزش صفت کوچک باشد، گزینه بهتر است) است. از امتیازات مهم این روش آن است که به‌طور همزمان می‌توان از شاخص‌ها و معیارهای عینی و ذهنی استفاده نمود. با این حال لازم است در این مدل جهت محاسبات ریاضی، تمامی مقادیر نسبت داده شده به معیارها از نوع کمی بوده و در صورت کیفی بودن نسبت داده شده به معیارها، می‌باید آن‌ها را به مقادیر کمیت تبدیل نمود، به واقع در این روش اهمیت نسبی شاخص‌ها مهم‌ترین عامل در تصمیم‌گیری می‌باشد (Sun & Lin, 2008)

تکنیک تاپسیس شامل ۹ مرحله به شرح زیر می‌باشد:

مرحله اول- تشکیل ماتریس داده‌ها براساس n آلترناتیو و m شاخص. که در آن x_{ij} معرف نمره خام پیکسل i ام در معیار j ام است.

$$X_{ij} = \begin{bmatrix} x_{11} & x_{12} & \dots & x_{1n} \\ x_{21} & x_{22} & \dots & x_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ x_{m1} & x_{m2} & \dots & x_{mn} \end{bmatrix}$$

مرحله دوم: در این مرحله با استانداردسازی داده‌ها، دامنه مقادیر (x_{ij}) را که در واحدهای اندازه‌گیری متفاوت (همچون واحد اندازه‌گیری رتبه‌ای، درصدی و متریک) وجود دارند به یک دامنه استاندارد در حد فاصل بین ۰ و ۱ تبدیل و مقادیر استاندارد شده داده‌ها (v_{ij}) را به دست می‌آوریم.

^۸ - Positive idea solution (PIS)

^۹ - Negative idea solution (NIS)

$$V_{ij} = \begin{bmatrix} v_{11} & v_{12} & \dots & v_{1n} \\ v_{21} & v_{22} & \dots & v_{2n} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ v_{m1} & v_{m2} & \dots & v_{mn} \end{bmatrix}$$

در این پژوهش برای استاندارد سازی از رابطه‌های زیر استفاده شده است. رابطه اول مربوط به متغیرهای مثبت (مانند جمعیت فعال) و رابطه دوم مربوط به متغیرهای منفی (مانند بیکاری) می‌باشد.

$$(1) \quad v_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_i^{\max}}$$

$$(2) \quad v_{ij} = 1 - \frac{x_{ij}}{x_j^{\max}}$$

که در آن v_{ij} نمره استاندارد شده برای عارضه (گزینه) I ام و صفت J ام می‌باشد. x_{ij} معرف نمره خام و x_j^{\max} نمره حداکثر برای صفت J ام می‌باشد. ارزش نمرات استاندارد شده در دامنه بین ۰ و ۱ قرار می‌گیرد. هرچه میزان ارزش نمره‌ها بیشتر باشد ارزش معیار از جذابیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

مرحله سوم: وزن‌ها (w_j) اختصاص یافته به هر صفت را تعیین می‌کنیم؛ مجموع وزن‌ها باید به گونه‌ای باشد که $0 \leq w_j \leq 1$ و $\sum_j w_j = 1$ بدست آید. در تحقیق حاضر برای تعیین وزن معیارها از روش مقایسه‌ای دو بدو که در ذیل روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده به عمل آمد. در این روش، تا اندازه زیادی از پیچیدگی مفهومی مطرح در تصمیم‌گیری کاسته می‌شود، زیرا در هر زمان معین تنها دو مؤلفه، مورد توجه قرار می‌گیرند (غفاری گیلانده، ۱۳۸۰: ۱۱۶). بدیهی است که وزن دادن به شاخص‌ها در مقایسات زوجی راحت‌تر و مطمئن‌تر از حالات دیگر می‌باشد همچنین استفاده از این مدل در جریان وزن دهی باعث می‌شود تا در ضمن ارزیابی، تعصبات دخیل نباشد (Mahmoodzadeh & other, 2007)

مرحله چهارم: با ضرب هر ارزش از شاخص استاندارد شده v_{ij} در وزن متناظر بر آن (w_j)؛

مرحله پنجم: ارزش حداکثر (v_{+j}) را در رابطه با هر یک از شاخص‌های استاندارد شده وزنی، تعیین می‌کنیم (ارزش‌ها تعیین‌کننده نقطه ایده‌آل هستند)؛

$$(۳) \quad v_{+j} = (v_{max1}, v_{max2}, \dots, v_{maxn})$$

مرحله ششم: ارزش حداقل (v_{-j}) را در رابطه با هر یک از شاخص‌های استاندارد شده وزنی، تعیین می‌کنیم (ارزش‌ها تعیین‌کننده نقطه ایده‌آل منفی هستند) به صورتی که ؛

$$(۴) \quad v_{-j} = (v_{min1}, v_{min2}, \dots, v_{minn})$$

مرحله هفتم: با استفاده از یک اندازه انفکاک، فاصله بین نقطه ایده‌آل و هر گزینه را محاسبه می‌کنیم، یک انفکاک را می‌توان با استفاده از متریک فاصله اقلیدسی (مستقیم الخط) محاسبه کرد؛

$$(۵) \quad s_{i+} = \sqrt{\sum_j (v_{ij} - v_{+j})^2}$$

مرحله هشتم: با استفاده از همان اندازه انفکاک، "فاصله" بین نقطه ایده‌آل منفی و هر گزینه را تعیین می‌کنیم؛

$$(۶) \quad s_{i-} = \sqrt{\sum_j (v_{ij} - v_{-j})^2}$$

مرحله نهم: با استفاده از رابطه زیر نزدیکی نسبی به نقطه ایده‌آل (c_{i+}) را محاسبه می‌کنیم:

$$(۷) \quad c_{i+} = \frac{s_{i-}}{s_{i+} + s_{i-}}$$

به طوری که C_i^+ می باشد. بر این اساس هر اندازه یک گزینه به نقطه ایده آل نزدیک تر باشد C_i^+ به سمت ۱ میل می کند؛ و مرحله دهم: گزینه ها را بر حسب یک ترتیب نزولی از C_i^+ رتبه بندی کرده؛ گزینه ای که بالاترین ارزش از C_i^+ همراه باشد بهترین گزینه است (مالچفسکی، ۱۳۸۶).

یافته های پژوهش

بعد از مشخص نمودن متغیرهای منتخب مربوط به شاخص اقتصادی، بعد از استاندارد سازی وزن هر کدام از متغیرهای پژوهش محاسبه و مشخص شده است. با توجه به اهمیت نسبی هر کدام از متغیرها در سنجش وضعیت توسعه یافتگی استان، متغیرها ارزش های متفاوتی را به دست آورده اند که نتایج آن در جدول (۲) آماده است.

پس از تعیین وزن و اهمیت هر کدام از متغیرهای پژوهش و بعد از اعمال وزن های به دست آمده با استفاده از روش تاپسیس اقدام به سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان کرمانشاه با توجه به جدول شماره ۳ شده است و در نهایت بر اساس ضریب توسعه به دست آمده از روش تاپسیس، شهرستان های استان کرمانشاه بر اساس جدول شماره (۴) رتبه بندی و وضعیت آن ها از لحاظ توسعه یافتگی مشخص شده است.

جدول ۲- وزن مربوط به متغیرهای پژوهش بر اساس روش AHP

متغیر	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10
وزن	۰/۱۰۴	۰/۰۹۵	۰/۰۷۴	۰/۰۶۱	۰/۰۵۶	۰/۰۳۷	۰/۰۴۴	۰/۰۴۶	۰/۰۶۵	۰/۰۲۱
متغیر	A11	A12	A13	A14	A15	A16	A17	A18	A19	A20
وزن	۰/۰۷۸	۰/۰۳۸	۰/۰۴۵	۰/۰۴۸	۰/۰۶۵	۰/۰۲۴	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳	۰/۰۲۹	۰/۰۲۴

منبع: محاسبات نگارندگان

جدول ۳- مقادیر سنجش و ارزیابی سطح کمی و کیفی توسعه از دیدگاه پرسکات آلن

ارزش	۰-۰/۲۰	۰/۲۰-۰/۴۰	۰/۴۰-۰/۶۰	۰/۶۰-۰/۸۰	۱-۰/۸۰
ضریب توسعه	توسعه یافته	نسبتاً توسعه یافته	در حال توسعه	نسبتاً محروم	محروم از توسعه

منبع: باری حصار و همکاران: ۱۳۸۹

ارزیابی و سنجش وضعیت نابرابری توسعه در شهرستان‌های استان کرمانشاه با تأکید بر شاخص اقتصادی

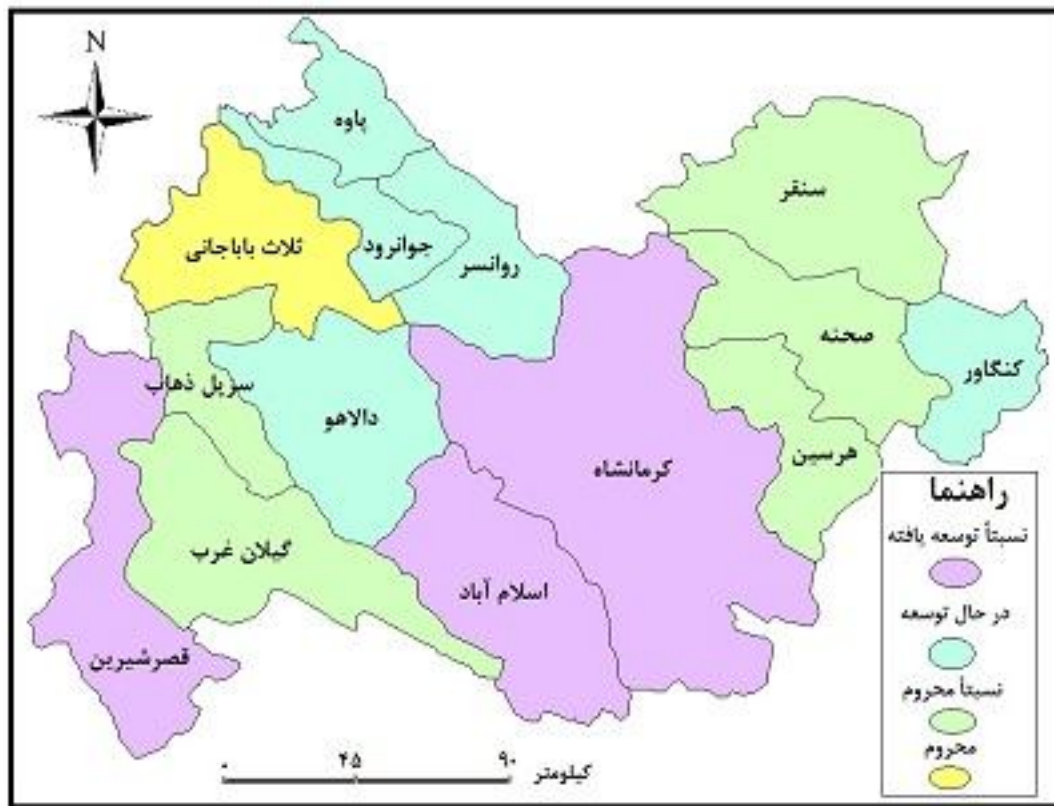
جدول ۴- رتبه و وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه بر اساس مدل تاپسیس

رتبه	شهرستان	ضریب توسعه	وضعیت توسعه	ردیف	شهرستان	ضریب توسعه	وضعیت توسعه
۱	کرمانشاه	۰/۷۰۱	نسبتاً توسعه یافته	۹	سنقر	۰/۳۹۲	نسبتاً محروم
۲	اسلام‌آباد	۰/۶۴۲		۱۰	صحنه	۰/۳۷۴	
۳	قصر شیرین	۰/۶۲۰		۱۱	هرسین	۰/۳۴۹	
۴	جوانرود	۰/۵۹۰	در حال توسعه	۱۲	گیلان غرب	۰/۳۱۲	نسبتاً محروم
۵	کنگاور	۰/۵۶۲		۱۳	سرپل ذهاب	۰/۲۸۹	
۶	روانسر	۰/۵۲۱		۱۴	ثلاث باباجانی	۰/۱۷۹	
۷	دالاهو	۰/۴۸۲					
۸	پاوه	۰/۴۱۴					

منبع: یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل جدول شماره ۴ بیانگر آن است که در سطح استان شهرستان توسعه‌یافته به لحاظ شاخص اقتصادی وجود ندارد. و ۲۱/۴۳ درصد از شهرستان‌های استان یعنی سه استان کرمانشاه، اسلام‌آباد و قصر شیرین به ترتیب با ضرایب توسعه ۰/۷۰۱، ۰/۶۴۲ و ۰/۶۲۰ در سطح نسبتاً توسعه‌یافته قرار دارند، همچنین ۵ شهرستان جوانرود (۰/۵۹۰)، کنگاور (۰/۵۶۲)، روانسر (۰/۵۲۱)، دالاهو (۰/۴۸۲) و پاوه (۰/۴۱۴) در سطح در حال توسعه به لحاظ شاخص اقتصادی قرار دارند. ۳۵/۷۱ درصد شهرستان‌ها شامل ۵ شهرستان سنقر، صحنه، هرسین، گیلان غرب و سرپل ذهاب در سطح نسبتاً محروم قرار دارند و در نهایت تنها شهرستان ثلاث باباجانی با ضریب توسعه ۰/۱۷۹ در سطح محروم از توسعه قرار دارد (شکل ۲).

بر اساس نتایج به دست آمده در اولویت اول برنامه‌ریزی باید شهرستان محروم ثلاث باباجانی قرار بگیرد زیرا در سطح استان دارای رتبه آخر با ضریب توسعه ۰/۱۷۹ می‌باشد. در اولویت دوم برنامه‌ریزی باید شهرستان‌های نسبتاً محروم سنقر، صحنه، هرسین، گیلان غرب و سرپل ذهاب که در کل ۳۵/۷۱ درصد از شهرستان‌های استان را تشکیل می‌دهند قرار بگیرند، در اولویت سوم باید برای شهرستان‌های جوانرود، کنگاور، روانسر، دالاهو و پاوه و در اولویت بعدی شهرستان‌های کرمانشاه، اسلام‌آباد و قصر شیرین برنامه‌ریزی شود.



شکل ۲- وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در کشور ما توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی جغرافیای کشور در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت‌های شدیدی را در روند توسعه آشکار ساخته است. با این حال همان‌طور که روند توسعه‌یافتگی در استان‌های مختلف یک کشور دارای مراتب گوناگونی است در داخل یک استان نیز روند توسعه‌یافتگی در بین شهرستان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیستند. در این پژوهش با تعیین درجه توسعه-یافتگی، سطح توسعه شهرستان‌های استان کرمانشاه در بعد اقتصادی ارزیابی گردید. در این بررسی مفاهیمی چون درجه توسعه‌یافتگی و رتبه توسعه یافتگی یک شهرستان نشان‌دهنده میزان برخورداری آن شهرستان از شاخصی بود که ارزیابی سطح توسعه شهرستان‌ها بر اساس آن صورت گرفته است و از آن‌ها با عنوان شاخص توسعه نام برده‌ایم. بنابراین، شهرستان‌هایی که به میزان بیشتری از این شاخص بهره‌مند بوده‌اند، با عنوان

توسعه‌یافته یا برخوردار و شهرستان‌هایی که مقادیر کمتری از این شاخص را در خود پرورانده‌اند و فاصله بیشتری با شهرستان مطلوب داشته‌اند، در زمره شهرستان‌های توسعه نیافته (در مقایسه با سایر شهرستان‌ها) قرار گرفته‌اند. به طور کلی در این پژوهش با استفاده از شاخص اقتصادی که مشتمل بر ۲۰ متغیر بوده (با استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، سالنامه آماری ۱۳۹۱ و تکنیک تاپسیس)، درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه مشخص گردید، که نتایج بیانگر آن است که، در سطح استان شهرستان توسعه‌یافته به لحاظ شاخص اقتصادی وجود ندارد. و $21/43$ درصد از شهرستان‌های استان یعنی سه استان کرمانشاه، اسلام آباد و قصر شیرین به ترتیب با ضرایب توسعه $0/701$ ، $0/642$ و $0/620$ در سطح نسبتاً توسعه‌یافته قرار دارند، همچنین ۵ شهرستان جوانرود ($0/590$)، کنگاور ($0/562$)، روانسر ($0/521$)، دالاهو ($0/482$) و پاوه ($0/414$) در سطح در حال توسعه به لحاظ شاخص اقتصادی قرار دارند. $35/71$ درصد شهرستان‌ها شامل ۵ شهرستان سنقر، صحنه، هرسین، گیلان غرب و سرپل ذهاب در سطح نسبتاً محروم قرار دارند و در نهایت تنها شهرستان ثلاث باباجانی با ضریب توسعه $0/179$ در سطح محروم از توسعه قرار دارد. بنابراین فرضیه‌های پژوهش: ۱- به نظر می‌رسد نابرابری توسعه اقتصادی بین شهرستان‌های استان کرمانشاه دارای شکاف شدیدی می‌باشد. ۲- به نظر می‌رسد شهرستان کرمانشاه نسبت به سایر شهرستان‌ها وضعیت بهتری به لحاظ توسعه اقتصادی دارد.

مورد تأیید قرار می‌گیرند زیرا شهرستان کرمانشاه با ضریب توسعه $0/701$ در تبه اول و شهرستان ثلاث باباجانی با ضریب توسعه $0/179$ در رتبه آخر قرار می‌گیرند، ظوری که تفاوت ضریب توسعه بین این دو شهرستان $0/522$ می‌باشد که هم نشان دهند شکاف توسعه‌ای شدید و هم برتری شهرستان کرمانشاه نسبت به سایر شهرستان‌های دیگر می‌باشد بنابراین بین شهرستان‌های استان کرمانشاه از لحاظ توسعه یافتگی تفاوت چشمگیری محسوس می‌باشد. که باعث شده نواحی به طور یکسان و یکنواخت توسعه پیدا نکنند. اگرچه بعد از انقلاب، سرمایه گذاری ها توزیع یکنواختی داشته است ولی مطابق با نیازهای جمعیتی و توانمندی های ناحیه ای نبوده است همین امر سبب توسعه ی نابرابری نواحی شده است. لذا جهت کاهش نابرابری ها در راستای تامین عدالت پیشنهاد زیر ارائه می‌شود:

- ✓ از آنجای که شهرستان‌های نسبتاً محروم و محروم استان دارای جمعیت کمتری هستند بکارگیری سیاست‌های سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های زودبازده در قالب برنامه‌های میان مدت می‌تواند به سرو سامان دادن وضعیت اقتصادی این مناطق بینجامد.
- ✓ توسعه فعالیت‌های جنبی برای جلوگیری از بیکاری‌های فصلی از طریق ایجاد کارگاه‌های کوچک در شهرستان‌ها؛
- ✓ به منظور فراهم سازی زمینه کلی توسعه استان ضرورت دارد تا از وجود منابع متعدد طبیعی و انسانی در جای جای استان بهره برداری بهینه گردد. همچنین از وجود مرز مشترک با کشور عراق، و نیز پتانسیل های قوی اقتصادی در استان استفاده گردد.
- ✓ بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش بیکاری از طریق تمرکززدایی صنعتی از برخی شهرهای بزرگ نظیر کرمانشاه و استقرار آنها در شهرستان‌های محروم.
- ✓ تکیه بیشتر بر تجهیز و تقویت منابع و قابلیت های توسعه در مناطق.
- ✓ راه‌حل اصلی رفع نابرابری‌ها و رساندن مناطق ناکارا به مرز کارایی، پیروی از موازین عدالت اجتماعی در همه ابعاد و الگو قرار دادن شهرستان‌های کارا از بعد توسعه‌یافتگی است تا از این راه، تصمیم‌گیری‌ها همسو با توسعه یکپارچه مناطق مختلف استان باشد.

منابع

- ۱- آر، پی، میسرا و کی، وی، سوندارام (۱۳۷۱). گزینه‌های توسعه روستایی، ترجمه علی اکبر، نشر مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، قم.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر علوم اجتماعی کشورهای توسعه‌یافته، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ۳- استانداری کرمانشاه (۱۳۹۰). سالنامه آماری ۱۳۹۱، استان کرمانشاه.
- ۴- آهنگری، عبدالمجید، سعادت‌مهر، مسعود (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی سطح توسعه‌یافتگی شهرستانهای استان لرستان به تفکیک بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، مجله دانش و توسعه، ۲۱، ۱۹۴-۱۵۹.
- ۵- بهشتی، محمد باقر (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.
- ۶- پورمحمدی، محمد رضا، رنجبرنیا، بهزاد، ملکی، کیومرث و شفاعتی، آرزو (۱۳۹۱). تحلیل توسعه یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی، ۲(۱)، ۲۶-۱.
- ۷- پیری، عیسی، رشیدی ابراهیم حصار، اصغر، بابایی، الی‌ناز و روشنایی، حمید (۱۳۹۳). سنجش سطوح توسعه‌یافتگی محلات و تعیین محلات نابسامان شهری با استفاده از تکنیک‌های کمی (موردی: بناب)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۷)، ۶۴-۴۷.
- ۸- تودارو مایکل (۱۳۶۴). توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر سازمان برنامه و بودجه، چ ۱، تهران.
- ۹- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۸۳). بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۵۵-۱۳۷۵)، جغرافیا و توسعه، شماره ۴، ۱۰۱-۱۱۲.
- ۱۰- حمودزاده، پژمان، مرادی هوسین، نصرت، جمیل، صادقی‌فر و توفیقی، شهرام (۱۳۹۱). سطح‌بندی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در بهره‌مندی از شاخص‌های ساختاری بهداشت و درمان، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین، ۱۷(۲)، ۴۹-۴۱.
- ۱۱- رحمانی، محمد، کاردار، سعید، الهامی، حشمت‌الله و ملاآقاجانزاده، ساره (۱۳۸۸). راهبردهای فناوری اطلاعات در توسعه پایدار روستایی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی اقتصاد، پژوهشنامه ۱۴، چاپ ساغر مهر، تهران.
- ۱۲- زرنده، مهشید، حصار، مجتبی و نیلی‌ثانی، حمید رضا (۱۳۸۶). رتبه‌بندی شهرستان‌های استان‌های خراسان از لحاظ میزان توسعه یافتگی، گزیده مطالب آماری، ۱۸(۲)، ۵۵-۴۳.

- ۱۳- زنگی آبادی، علی، احمدیان، مهدی و کرمی، محمد (۱۳۹۳). تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه منطقه‌ای با بهره‌گیری تلفیقی از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه، مورد پژوهش: استان کردستان، دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، (۹)، ۹۶-۸۳.
- ۱۴- زیاری، کرامت الله، رضوانی، سعید، نوید، بقال و صالح پور، لیلا (۱۳۸۹). سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش HDI، فراسوی مدیریت، ۱۲، ۹۵-۷۵.
- ۱۵- سازمان آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمانشاه.
- ۱۶- سرور، رحیم و خلیجی، محمد (۱۳۹۴). سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶ (۲۱)، ۱۰۲-۸۹.
- ۱۷- صادقی فر، جمیل، سیدین، سید حسام و دیگران (۱۳۹۳). تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان بوشهر از نظر شاخص‌های بهداشتی درمانی با استفاده از روش تاکسونومی عددی، مجله علوم پزشکی رازی، ۲۱ (۱۱۸)، ۹۱-۸۱.
- ۱۸- صفائی پور، مسعود و مودت، الیاس، (۱۳۹۲)، ارزیابی استان‌های ایران با تاکید بر شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی با استفاده از HDI و Topsis، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، ۱ (۳)، ۲۷-۱۱.
- ۱۹- عباسی نژاد، حسین و رفیعی امام، علیتی (۱۳۸۴). ارزیابی شاخص توسعه انسانی در مناطق روستایی ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۲، ۵۴-۳۱.
- ۲۰- غضنفر پور، حسین (۱۳۹۲). سطح‌بندی و میزان توسعه‌یافتگی خدمات بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کرمان با استفاده از شاخص‌های تمرکز، فصلنامه برنامه ریزی فضایی، ۳ (۴)، ۱۸-۱.
- ۲۱- غفاری گیلانده، عطا (۱۳۸۰). ارزیابی نظام توسعه کالبدی شهر و ارائه الگوی مناسب توسعه کالبدی شهر با استفاده از GIS در قالب مدل توسعه پایدار زمین - مطالعه موردی اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۲- لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۵). پیرامون اهمیت سیاست در توسعه دولت‌های توسعه‌گرا، ترجمه جواد افشار کهن، انتشارات مرندیز نی نگار، مشهد.
- ۲۳- لهسائی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات رز، شیراز.
- ۲۴- مالچفسکی، یاجک (۱۳۸۵). سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی و تحلیل تصمیم چندمعیاری، ترجمه اکبر پرهیزکار و عطا غفاری گیلانده، انتشارات سمت، تهران.
- ۲۵- محمد، جمال، عبدلی، اصغر و فتحی بیرانوند، محمد (۱۳۹۱). بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های مسکن و خدمات رفاهی - زیر بنایی، کشاورزی و صنعت، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۲ (۲۵)، ۱۵۰-۱۲۷.

- ۲۶- ملانوری شمسی، هادی (۱۳۸۲). درآمدی بر توسعه اقتصادی، جلد اول، نشر صنم، کرمان.
- ۲۷- موحد، علی، فیروزی، محمد علی و روزبه، حبیبه (۱۳۹۰). تحلیل درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ها، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲(۵)، ۴۳-۵۶.
- ۲۸- موسوی، میرنجف (۱۳۸۲). سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری یزد، دانشگاه یزد.
- ۲۹- مولایی، محمد (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه درجه توسعه یافتگی بخش کشاورزی استان‌های ایران، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۶(۶۳)، ۷۱-۸۸.
- ۳۰- میرغفوری، سید حبیب‌الله، مهرجردی، محمدحسین طحاری و بابایی، حمید، (۱۳۹۲). شناسایی وضعیت توسعه یافتگی و رتبه‌بندی استان‌های کشور از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش کتابخانه‌ای، مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۳(۳)، ۲۷۰-۲۴۳.
- ۳۱- نسترن، مهین، ابوالحسنی، فرحناز و ایزدی، ملیحه (۱۳۸۹). کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل اولویت بندی توسعه‌یابندها مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۸(۲)، ۱۰۰-۸۳.
- 32- Dupont, V. (2007). Do Geographical Agglomeration, Growth and Equity Conflict? *Regional Science*, 86 (2), 193-213.
- 33- Hadder, R. (2000). *Development Geography*. Routledge London New York. P.3.
- 34- Kanbur, R, J & Venables, A, (2005): *Spatial Inequality and Development Overview of UNU-WIDER Project*. September, 2005.
- 35- Mahmoodzadeh, Sh. & Shahrabi, J. & Pariazar, M. & Zaeri, M, S. (2007). Project Selection by Using Fuzzy AHP and TOPSIS Technique, *World Academy of Science, Engineering and Technology*, 30, 333-338.
- 36- Miron, D. & Alina, M, D. & Simona, R. (2009). Index of Regional Economic Growth In Post, Accession Romania, *Romanian Journal of Economic Forecasting*, 9(3), 112-124.
- 37- Shankar, R. & Anwar S. (2003). Bridging the Economic Divide Within Countries: A Scorecard on the Performance of Regional Policies in Reducing Regional Income Disparities, *World Development*, 31(8), 1421-1441.
- 38- Sun, Ch. & Lin. Grace T.L, (2008). *Application of Fuzzy TOPSIS for Estimating the Industrial Cluster Policy*, Institute of Management of Technology, National Chiao Tung University, Taiwan.
- 39- Suri, T. & Boozer, M. & Ranis, G. & Stewart, F. (2011). Paths to Success: The Relationship between Human Development and Economic Growth, *World Development*, 39(4), 506-522.
- 40- Yu, L. & Hou, X. & Gao, M. & Shi, P. (2010). Assessment of coastal zone sustainable development: A case study of Yantai, China, *Ecological Indicators*, 10, 1218-1225.